

خاورمیانه در برزخ جنگ و صلح

چه تحولاتی در سال جدید میلادی در انتظار منطقه است؟

شبکه پیچیده‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی، در سایه آتش بس های موقت و شکننده، همچنان آبیستن تحولات دیگری است. تحلیلگران هشدار می‌دهند که نباید آرامش نسبی فعلی را با صلح پایدار اشتباه گرفت. اما چه تحولاتی در سال میلادی پیش روی خاورمیانه در راه خواهد بود؟

خاورمیانه در برزخ

بازیگران متعددی از جمله ایران، اسرائیل، دولت های لبنان، عراق و یمن، در کنار بازیگران قدرتمند غیردولتی نظیر حزب... حماس، گروه های مقاومت در عراق، در یک شبکه پیچیده‌ای از تحولات درگیر هستند. اگرچه در طول سال گذشته توافق های آتش بس موقتی در نقاط مختلف منطقه شکل گرفت، اما تحلیلگران مسائل استراتژیک می‌گویند که هیچ‌کس نباید این تکه پاره های دیپلماتیک را با بازدارندگی پایدار یا صلح واقعی اشتباه بگیرد. واقعیت میدانی حاکی از آن است که ریشه های اصلی بحران همچنان دست نخورده باقی مانده‌اند و وضعیت نهایی مطلوب برای طرفین درگیر، در تضاد کامل با یکدیگر قرار دارد. ارزیابی ها نشان می‌دهد که خطر شعله‌ور شدن مجدد درگیری های چندجبهه‌ای در ماه های آینده به شدت بالا رفته است. این ریسک فراینده ناشی از همگرایی سه دنیامیک اصلی است. نخست، تلاش ایران برای بازسازی قابلیت های دفاعی و بازدارندگی خود و دوم، عدم تمایل حزب... حماس به خلع سلاح و سوم، پیوستگی روزافزون میان جبهه های مختلف منطقه‌ای، از غزه و جنوب لبنان گرفته تا عراق و دریای سرخ. آنچه وضعیت کنونی را از بحران های پیشین متمایز می‌کند، صرفاً تداوم درگیری ها نیست، بلکه درجه‌ای از حساسیت است که در آن، تشدید تنش در یک جبهه به احتمال بسیار زیاد ماشه واکنش ها در سایر جبهه ها را خواهد کشید.

تغییر دکترین تل‌آویو

در تل‌آویو، مقامات سیاسی و نظامی به صراحت اعلام کرده‌اند که ترتیبات دیپلماتیک برای تثبیت مرزهای شمالی رژیم اسرائیل نمی‌تواند به صورت نامحدود و باز باقی بماند. اسرائیل مدعی است که دولت لبنان باید پایبندی معنادار خود را به قطعنامه ۱۷۸۱ شورای امنیت سازمان ملل، به ویژه در خصوص حضور نظامی حزب... در جنوب رودخانه لیتانی، اثبات کند. به نوشته اقتصادآنلاین، مقامات اسرائیلی سیگنال های روشنی ارسال کرده‌اند که در صورت عدم پیشرفت ملموس در این زمینه، اقدام نظامی رانه به عنوان یک انتخاب، بلکه به عنوان یک ضرورت در دستور کار قرار خواهند داد. این تغییر ادبیات نشان دهنده شیفت استراتژیک اسرائیل به سمت رویکردی تهاجمی تر برای خلع سلاح حماس و تضمین عدم تهدید از سوی حزب... است. در واشنگتن، در حالی که سیاستگذاران آمریکایی بر تقویت نظامی در حوزه کارائیب و مذاکرات پایان جنگ اوکراین متمرکز شده‌اند، کارشناسان غربی هشدار می‌دهند که غفلت از احتمال بروز یک بحران جدید و گسترده در خاورمیانه می‌تواند خطای محاسباتی بزرگی باشد.

بازسازی بازدارندگی

کارشناسان امنیتی و نظامی می‌گویند استراتژی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران همواره بر یک مدل بازدارندگی چندلایه متکی بوده است که محوریت آن را نیروی هوایی، مسمو، آتش باری دوربرد و استراتژیک تشکیل می‌دهد تا رویارویی مستقیم دولت با دولت اجتناب شود. هدف این مدل، تحمیل هزینه های جمعی و فرسایشی بر دشمنان و در عین حال دور نگه داشتن خاک ایران از انتقام مستقیم است. بر اساس ارزیابی های مکرر وزارت دفاع آمریکا و سازمان ملل، ایران همچنان بزرگترین و متنوع ترین زرادخانه موشکی خاورمیانه را در اختیار دارد و سرمایه‌گذاری هایی در زمینه بقایبیری تسلیحات، پایگاه های زیرزمینی و ظرفیت تولید انجام داده است. این توانمندی ها با شبکه گسترده‌ای از گروهه های مسلح همسو در لبنان، غزه، عراق و یمن تکمیل می‌شود. حمله هفتم اکتبر ۲۰۲۳ حماس، درک تهدید در اسرائیل را به طور بنیادین تغییر داد و نشان داد که گروهه های همسو با ایران می‌توانند بدون ایجاد یک جنگ منطقه‌ای فوری، شوک استراتژیک سهمگین را به این رژیم وارد کنند. از آن زمان، مقامات اسرائیلی در تلاش بوده‌اند اجازه ندهند ایران محیط بازدارندگی پیشین را که زمینه را برای حملات مشابه فراهم می‌کرد، برقرار کند.

ب ن بست در بیروت

در میان گروهه های همسو با ایران، حزب... لبنان همچنان از بالاترین توانمندی نظامی برخوردار است. برآوردهای مستقل حاکی از آن است که این گروه ده‌ها هزار راکت و موشک، از جمله سیستم های دقیق و نقطه زن با قابلیت ضربه زن به دو عقی قاتل اسرائیل را در اختیار دارد. با وجود اینکه قطعنامه ۱۷۰۱ که به جنگ ۳۳ روز سال ۲۰۰۶ پایان داد، اما نزدیک به دو دهه بعد، حزب... صراحتاً همچنان سلاح خود را در اختیار دارد و زرادخانه اش نیروی ضروری برای مقاومت می‌داند. دولت و ارتش لبنان عملاً اذعان کردند که تمایل یا توانایی لازم برای خلع سلاح اجباری حزب... را ندارند. این واقعیت، برنامه ریزی های نظامی اسرائیل را شکل داده است. تل‌آویو اکنون موضوع رانه به عنوان عدم تمایل لبنان، بلکه به عنوان عدم توانایی آن تفسیر می‌کند و مدعی است که ادامه سنگربندی حزب... در مرزها با ثبات بلندمدت ناسازگار است. با وجود آتش بس سال گذشته، اسرائیل همچنان به حملات پراکنده هدفمند در جنوب لبنان ادامه داده و گزارش ها حاکی از تلاش برای تجهیز مجدد حزب... است؛ روندی که تنش ها را به نقطه جوش نزدیک می‌کند.

تنش های زنجیره‌ای

خطر اصلی که منطقه را تهدید می‌کند، تشدید تنش دومینووار است. هرگونه اقدام نظامی اسرائیل در غزه می‌تواند فشار را در مرزهای شمالی با لبنان تشدید کند. درگیری با حزب... نیز احتمال رویارویی مستقیم یا غیرمستقیم با ایران را افزایش می‌دهد. در چنین سناریویی، حملات ایران با اسرائیل می‌تواند انصار... یمن را وادار کند تا حملات موشکی و پهپادی خود علیه کشتیرانی در دریای سرخ را از سر بگیرند یا سامانه های دوربرد خود را به سمت اسرائیل شلیک کنند. همزمان، تجربه تاریخی نشان داده است که افزایش تنش در هر نقطه‌ای با افزایش فعالیت گروهه های همسو با ایران در عراق علیه تأسیسات آمریکایی همزمان می‌شود.

دکتر مهدی پاژوکی در گفت وگو با «آرمان ملی»:

دولت به جای دستمزد

به کارمندان و کارگران

سکه بدهد

دولت تورم را کنترل نکند کشور به سمت ابر تورم خواهد رفت

پزشکیان وفاق با بنیان وضع موجود را کنار بگذارند

آرمان ملی- احسان انصاری؛ با عبور قیمت سکه از ۱۵۰ میلیون و دلار از ۱۳۵ هزار تومان بازار سرمایه به صورت لحظه‌ای با شوک رکورد شکنی مواجه شده است. به همین دلیل نیز در شرایط کنونی افکار عمومی به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که افزایش قیمت سکه و ارز تا کجا ادامه خواهد داشت؟ واقعیت این است که موج جدید تقاضای سرمایه‌ای، دلار را در مرز مقاومت های حساسی نگه داشته و سکه و طلا را در فاز رکورد زنی قرار داده است بازاری که زیر فشار تورم انتظاری، انگیزه عقب نشینی ندارد و امروز در موقعیتی سرنوشت ساز وارد میدان می‌شود. نکته دیگر اینکه مردم چشم‌انداز مشخص اقتصادی ندارند و از سوی دیگر کسب و کارها نیز با این بی ثباتی اقتصادی قدرت ریسک خود را از دست داده‌اند. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی مهم ترین پیام های بی ثباتی های اقتصادی با دکتر مهدی پاژوکی، اقتصاد دان گفت وگو کرده است. پاژوکی معتقد است: «اگر تورم موجود را

بی ثباتی اقتصادی و رکورد شکنی مداوم قیمت ارز و طلا چه پیامدهای اقتصادی برای کشور خواهد داشت؟

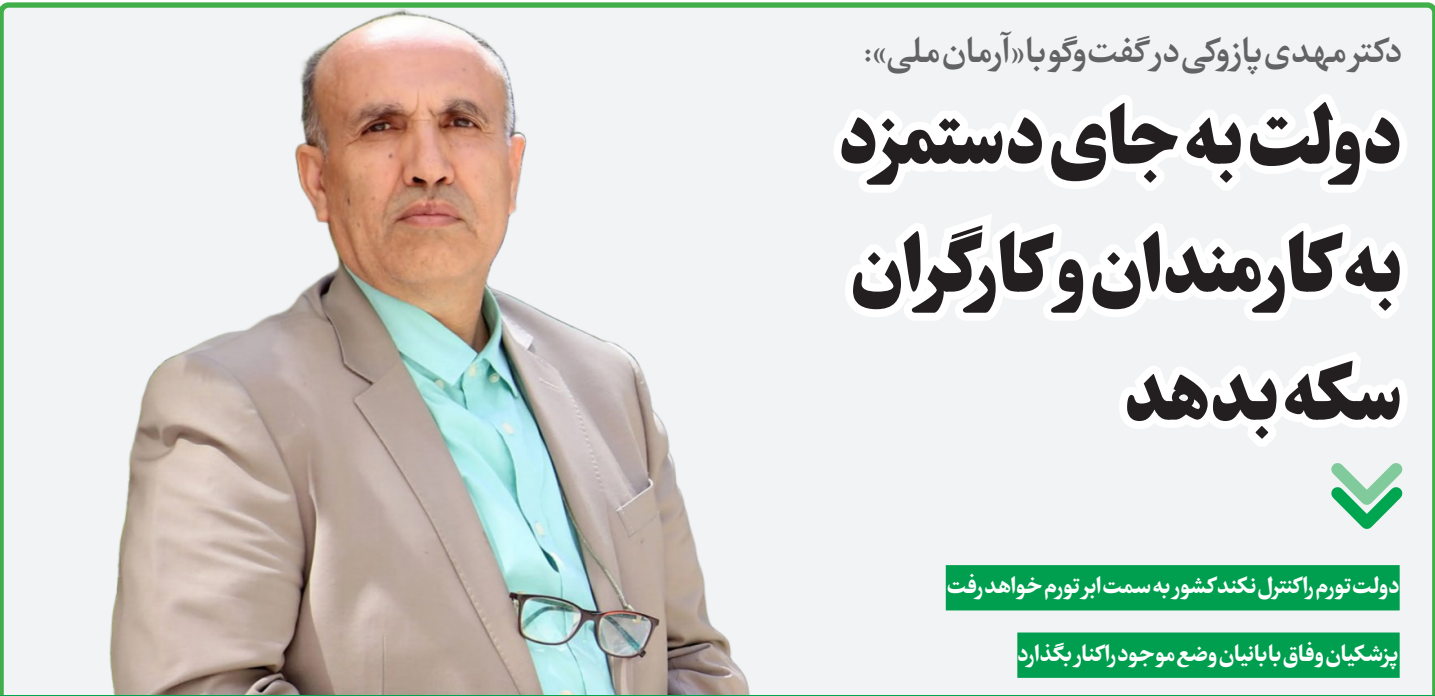
مهم ترین شاخص بی ثباتی اقتصادی نرخ فراینده و مزمن تورم است. به همین دلیل مجموعه تصمیم گیران کشور باید به این نکته توجه کنند که اگر تورم موجود را کنترل نکنند این تورم به سمت ابر تورم حرکت خواهد کرد. در صورتی که این اتفاق رخ بدهد کشور را با مخاطرات جدی در آینده مواجه خواهد شد که شاید قابل کنترل نباشد. اگر به سمت ابر تورم حرکت کنیم قیمت ها روز به روز افزایش پیدا خواهد کرد. در چنین شرایطی پول ملی از گردونه دادوستد خارج می‌شود و همه مردم به سمت ارزهای معتبر خارجی خواهند رفت. در شرایط کنونی مهم ترین اقدامی که دولت باید انجام بدهد کنترل تورم است. کنترل تورم نیز راه حل علمی دارد. کسانی که به دنبال راه حل های دیگری هستند باید به این نکته توجه کنند که باید برای مشکلات اقتصادی راه حل های علمی و اقتصادی پیدا کرد و از راه های دیگر به نتیجه نخواهند رسید. اقتصاد کشور نیازمند انضباط مالی است و برای اینکه این اتفاق رخ بدهد حکومت باید تغییر پارادایم بدهد.

در چه زمینه‌ای باید تغییر پارادایم صورت بگیرد؟

در این زمینه باید دو اتفاق مهم رخ بدهد. نخست اصلاح و بازنگری در زمینه سیاست خارجی در راستای منافع مردم ایران است. در دهه های اخیر اقتصاد ایران همواره در گرو سیاست بوده در حالی که باید حالت عکس این وجود داشته باشد. به همین دلیل ما باید در زمینه سیاست خارجی تجدید نظر کنیم. اینکه برخی عنوان می‌کنند مذاکره به معنای تسلیم گزاره‌ای است که اسرائیل در دهان تندروهای ایران انداخته است. آمریکایی ها در دهه ۱۹۷۰ نزدیک به ۲ میلیون ویتنامی را کشتند. این در حالی است که امروز در عین حالی که از نظر تفکرات ویتنام به چپ یعنی روسیه و چین نزدیک است اما مهم ترین شریک تجاری این کشور آمریکا است. ما باید منافع ملی را خط قرمز خود در سیاست خارجی در نظر بگیریم. اگر این اتفاق رخ بدهد انتظارات تورمی را در کشور کاهش می‌دهد. دومین اتفاقی که برای تغییر پارادایم باید رخ بدهد اصلاحات ساختاری در درون اقتصاد ایران است. یکی از مهم ترین این اصلاحات اصلاح سیاست های مالی دولت است که در سنده بودجه مشخص است. یکی از مهم ترین عواملی که به خلق پول منجر می‌شود کسر بودجه است. به همین دلیل دولت باید مخارج غیر ضروری خود را کاهش دهد. تاکنون به دلیل درآمد های نفتی این کشور کسری مشخص نبوده اما در شرایط کنونی که درآمد های نفتی کاهش پیدا کرده شرایط تغییر کرده و به همین دلیل باید در بودجه توازن شکل بگیرد.

آیا شرایط و زمان کافی برای اصلاح ساختارهای اقتصادی در داخل کشور وجود دارد؟

این مسأله بستگی به نوع تصمیم سازی و تصمیم گیری



کنترل نکنند این تورم به سمت ابر تورم حرکت خواهد کرد. در صورتی که این اتفاق رخ بدهد کشور با مخاطرات جدی در آینده مواجه خواهد شد که شاید قابل کنترل نباشد. اگر به سمت ابر تورم حرکت کنیم قیمت ها روز به روز افزایش پیدا خواهد کرد. در چنین شرایطی پول ملی از گردونه داد و ستد خارج می‌شود و همه مردم به سمت ارزهای معتبر خارجی خواهند رفت. در شرایط کنونی مهم ترین اقدامی که دولت باید انجام بدهد کنترل تورم است. کنترل تورم نیز راه حل علمی دارد. کسانی که به دنبال راه حل های دیگری هستند باید به این نکته توجه کنند که باید برای مشکلات اقتصادی راه حل های علمی و اقتصادی پیدا کرد و از راه های دیگر به نتیجه نخواهند رسید. اقتصاد کشور نیازمند انضباط مالی است و برای اینکه این اتفاق رخ بدهد حکومت باید تغییر پارادایم بدهد. «در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

اقتصاد ایران به شدت از بی انضباطی مالی

رنج می‌برد. بی انضباطی پولی در سیستم

بانکی، بی انضباطی مالی در سند بودجه

و بی انضباطی اداری در سیستم اداری

وجود دارد که دولت باید تلاش کند آنها را

مرتفع کند

بی انضباطی اداری در سیستم اداری وجود دارد که دولت باید تلاش کند آنها را مرتفع کند. در همه کشورهای جهان بهترین نیروهای متخصص را جذب دولت می‌کنند این در حالی است که در ایران افرادی را به استخدام دولت درمی‌آوردند که را دانشگاه های درجه پنج و شش مدرک خود را اخذ کرده‌اند. موضوع مهم دیگری که در این زمینه تعیین کننده است سیاست خارجی دولت است. برخی از مسئولان به خوبی با جهان و مراودات دیپلماتیک آشنایی ندارند و گمان می‌کنند با حرف می‌تواند اقتصاد را درست کرد. واقعیت این است که دوران حرف درمانی به پایان رسیده است. ما باید با سیاست های بخردانه و رویکردهای علمی اقتصاد را اصلاح کنیم و وضعیت زندگی مردم را بهبود بدهیم.

بود چه سال ۱۴۰۵ که پزشکیان به مجلس تحویل داد انقلابی ترین بودجه پس از انقلاب است. چرا دولت

پزشکیان چنین بودجه‌ای را تدوین کرده است؟

پزشکیان در بودجه سال آینده بودجه مجلس را کاهش داده که امیدوارم نمایندگان دوباره این بودجه را افزایش ندهند. پزشکیان باید همین رویکرد را در باره بودجه برخی نهادها ادامه و بودجه‌های آنها را کاهش دهد. من معتقدم دولت برای پر کردن فاصله دستمزدها با تورم باید در چند ماه به جای حقوقی که به کارمندان می‌دهد سکه بدهد تا فاصله دستمزدها با میزان تورم در طول سال افزایش پیدا کنند. این وضعیت هم شرایط اقتصادی خانواده‌ها را بهبود می‌دهد و هم از افزایش بیشتر تورم جلوگیری می‌کند. با شوک درمانی و افزایش قیمت بنزین مشکل حل نمی‌شود. در دولت اول خامنه‌ی بنزین ۱۶ تومان بود و وقتی دولت را به احمدی نژاد تحویل داد ۸۰ تومان. اگر مجلس هفتم همان موقع اجازه می‌داد که نرخ تورم و قیمت بنزین همزمان مسیر خودش را طی کند الان به این مصیبت گرفتار نمی‌شدیم و قیمت بنزین حدود ۸۰ هزار تومان بود اما خون از دماغ کسی نمی‌آمد. همان زمان حداد عادل با افتخار گفت که به مردم عیدی دادیم، اما غافل از اینکه این دست فرمان اساساً اشتباه بود. در شرایط کنونی نیز پیام من به آقای پزشکیان در این شرایط این است که وفاق را کنار بگذارید زیر طرقداران این تفکر بنیان وضع موجود هستند. نکته دیگر اینکه برخی افراد که قدرت و تریبون در اختیار دارند دچار جهالت اقتصادی شده‌اند. تصور این عده این است که هر چه بیشتر با جامعه جهانی مقابله شود به همان میزان استقلال کشور بیشتر خواهد شد. امروز اگر در خیابان با مردم گفت وگو کنید مردم خواهان تعامل با جهان، حفظ منافع ملی و یک زندگی شرافتمندانه هستند. به همین دلیل من از مدیرانی که با عقلانیت تصمیم‌گیری می‌کنند توصیه می‌کنم گزارش کلان واقعی از وضعیت کشور و اتفاقاتی که ممکن است در آینده رخ بدهد، به تصمیم گیران کشور بدهند تا تصمیماتی آیند نگرانگانه گرفته شود و فشار بیشتری به مردم وارد نشود.

پیام من به آقای پزشکیان در این شرایط

این است که وفاق را کنار بگذارید زیرا

طرقداران این تفکر بنیان وضع موجود

هستند. نکته دیگر اینکه برخی افراد که

قدرت و تریبون در اختیار دارند دچار

جهالت اقتصادی شده‌اند

محمود جامساز:

بودجه سال آینده باعث فقیرتر شدن مردم می‌شود

هم نباشد، به نظر می‌رسد هزینه‌ها و اولویت های دیگری وجود دارد که اجازه نمی‌دهد منابع مالی به بهبود معیشت مردم اختصاص یابد. این اقتصاددان بیان کرد: ناترازی های گسترده در بخش های مختلف اقتصاد، ظرفیت تولید صنایع را به شدت کاهش داده است. بسیاری از بنگاه‌ها و صنایع در وضعیتی قرار دارند که توان ایجاد درآمد کافی برای پرداخت مالیات را ندارند، اما با این وصف درآمد های مالیاتی کل دولت در بودجه سال ۱۴۰۵ نسبت به سال ۱۴۰۴ حدود ۴۲ درصد افزایش یافته و به حدود ۹۶۲/۲ هزار میلیارد تومان - که معادل ۲۹۰ هزار میلیارد تومان با حذف چهار صفر است- رسیده است؛ لذا مالیات سهم مهمی از منابع بودجه را تشکیل می‌دهد. وی تصریح کرد: در چنین شرایطی، مردم عملاً در وضعیت بحرانی قرار گرفته‌اند. هزینه‌های زندگی به شدت افزایش

بر معیشت مردم شده است. بودجه سال ۱۴۰۵ نسبت به بودجه سال جاری تنها پنج درصد رشد نشان می‌دهد و لذا باتورم ۴۰ تا ۵۰ درصدی، یک بودجه انقباضی است. وی افزود: وقتی اعلام می‌شود که بودجه فقط پنج درصد رشد داشته، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که این انقباض بودجه‌ای در کدام بخش ها اعمال شده است؟ از سوی دیگر گفته می‌شود حقوق و مزایا ۲۰ درصد افزایش می‌یابد، در حالی که تورم رسمی حدود ۵۰ درصد و تورم معیشتی در سال آینده ممکن است تا ۱۵۰ درصد نیز افزایش داشته باشد. این شکاف عمیق به شدت به درآمد واقعی خانوارها آسیب می‌زند و قدرت خرید مردم را کاهش می‌دهد؛ به ویژه در شرایطی که هیچ چشم‌انداز روشنی برای نرخ ارز وجود ندارد و خزانه دولت نیز خالی است و امکان کنترل مؤثر نرخ ارز فراهم نیست. حتی اگر خزانه کاملاً خالی

یادداشت

درک تاریخی فرهنگ رانتیر



محمد آخوندپور امیری

پژوهشگر مسائل ایران

در فرهنگ سیاسی، عموماً چهار شلختگی زبانی استعمال واژگانیم. بکارگیری واژگان با بارهای معانی گاه متفاوت به کرات از سوی جامعه بکار گرفته می‌شود. در این میان گاهی قرابت برخی واژگان (با بارهای معنایی مثبت یا منفی) و تکرر بکارگیری آنها به جای یکدیگر سبب شده، که ذهن جامعه با این مجالست واژگانی مانوس گردد. اما در جایگاه پژوهش های علمی، آنچه که ضرورت آن (به عنوان تعهدی علمی- اخلاقی) حتمی و انکارناپذیر است، بکارگیری صحیح واژگان، با بار معنایی منحصر بفرد خود است. با این مقدمه از دو راه عموماً متداول در فرهنگ سیاسی ایران سخن می‌گوییم: «دیکتاتوری» و «استبداد». واژگانی همنشین، خوش نشین و صد البته شوربختانه کاملاً شناخته شده بر دهن جامعه ایرانی. تجربیات ناخوشایند هزاران ساله ما ایرانی ها، دلیل چنین همنشینی را گواهی می‌دهد. اما در ساخت گفتار و نوشتار، در بحث ها و گفت وگوهای هر کوی و برزن، در مباحثات علمی و آکادمیک، امروزه فراتر از تشویش ها و شو ریذگی های ذهنی که مرتباً بر صاحبان سخن عارض می‌شود، بکارگیری واژگانی همچون دیکتاتوری و استبداد به جای یکدیگر بسیار معمول و مرسوم است. اما به راستی تفاوت این دو با یکدیگر چیست؟ باید اذعان کرد که جامعه استبدادی، یعنی جامعه‌ای که در آن هیچ قانونی وجود ندارد که قدرت دولت را مقید و محدود سازد. در فرهنگ لغت، استبداد را خودسری معنا کرده‌اند. گرچه خودکامگی هم بدان می‌گویند، ولی بگذار واژه‌ی کاربرد نیست. بندانگشتی، بندانگشتی بیابوریم. در یک وضعیت استبدادی، پادشاه تابع هیچ قانونی نخواهد بود. روزی تصمیم می‌گیرد سر فرزندش را ببرد، وزیرش را در آب جوش بیندازند. نمونه معروف وضعیت استبدادی را می‌توان در خصوص کاری که با امیرکبیر شد، بیان کرد. امیرکبیر را روزگاری از آشپزخانه بیرون آوردند و برای چند سال مالک القلاب کل ایران کردند. هم از نظر اداری و هم از نظر نظامی، هم امیر نظام بود و هم صدراعظم؛ اما چه سود که اقتنا بدو شمش زود به سر آمد. ناصرالدین شاه، حاج علی فراش باشی را فرستاد و گفت: «بروید امیر نظام را راحت کنید». مع الاسف، امیر راحت و جامعه‌ای را ناراحت ساختند. ناگفته عیان است که خشونت عریان، نمود عینی وضعیتی استبدادی است. وضعیتی که مالک مطلق العنان جان آدمیان، دستان سرد و کین تازانه شاه قوی شوکت است. سر جان ملک، سفیر انگلیس در دربار فتحعلی شاه راویت می‌کند که به فتحعلی شاه گفتیم «قدرتی که شاه ایران دارد نامحدود است و چنین قدرتی را شاهان اروپایی هرگز در اختیار ندارند». فتحعلی شاه پاسخ می‌دهد: «بله، اما فرقی است که این است که پادشاه ایرانی نمی‌داند بعد از او چه کسی شاه می‌شود» (شاید نمودی از جامعه کوتاه مدت). پهر تقدیر مهم ترین مشخصه استبداد را می‌توان در فقدان قانون مدنی تعبیر کرد. اما در وضعیتی که از آن به عنوان دیکتاتوری یاد می‌کنیم، با وجود خودرایی هایی که بر عرصه سیاست عارض می‌شود، اما حداقل آزادی ها نیز به چشم می‌خورد. عموماً حکومت محمد رضا شاه را در میانه سال های ۳۲ تا ۴۲، شایسته چنین وضعیتی می‌دانند؛ وضعیتی که در آن روزنامه ها اندک فضایی جهت تنفس ملی دوم اجازه فعالیت یافت و برخی تجمعات را در دانشگاه تهران و دیگر نقاط شهر ترتیب داد. پرسشی که مطرح می‌شود این است که نقش رانت، در نیل دولت به خصیصه استبداد چیست؟ نقش بالقوگی رانت در تاریخ معاصر از این حیث اهمیت پیدا می‌کند که گوئی به ساختار قدرت، استقلال اعطا می‌کند که می‌تواند بدون دغدغه نیاز به حمایت جامعه، به یک تازی خود ادامه دهد. دولت رانتیر، دولتی است که درآمد خود را از طریق خام فروشی مواد اولیه کسب می‌کند و خود یکی از عوامل سرایت فرهنگ رانتی به جامعه است. اما باید توجه داشت که در ایران، اقتصاد نفتی که سبب سترون شدن دولت رانتیر در ایران شده و شبکه رانتی را به گونه‌ای گسترش داده، در تقویت فرهنگ استبدادی حاکمان نقش بسیار مهمی را برعهده داشته است. در واقع باید اینگونه گفت که رانت، نه سبب شکل گیری استبداد، بلکه تشدید کننده و تقویت کننده آن است. شاهد عینی چنین وضعیتی را می‌توان در دهه چهل که درآمد های نفتی ایران به طور مستمر رو به افزایش گذاشت، مشاهده نمود. نتیجه چنین وضعیتی، تغییر وضعیت حکومت از شرایط دیکتاتوری (آنچه که از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب سفید سال ۱۳۴۲ بر سپهر سیاسی ایران حکمفرما شد)، به وضعیت استبدادی در سال های بعد از ۴۲ بود. بنابراین نفت و دامدهای سرشارش به عنوان غنیمتی گوه‌ریمن، به حاکمیت این اختیار را داد که یک تاز عرصه استبدادی شود.